



[www.sarbazaneislam.com](http://www.sarbazaneislam.com)

متن کامل خطبه فدکیه با ترجمه فارسی

# خطبه فدک

## متن کامل خطبه فدکیه با ترجمه فارسی

هنگامی که ابوبکر و عمر تصمیم گرفتند فدک را از حضرت فاطمه علیها السلام بگیرند چون این خبر به ایشان رسید، چادر بر سر نهاد و با گروهی از زنان بسوی مسجد روانه شد، در حالیکه چادرش به زمین کشیده می‌شد، و راه رفتن او همانند راه رفتن پیامبر خدا بود، بر ابوبکر که در میان عده‌ای از مهاجرین و انصار نشسته بود وارد شد، در این هنگام بین او و دیگران پرده‌ای آویختند، آنگاه نالهای جانسوز از دل برآورد که همه مردم به گریه افتادند و مجلس و مسجد بسختی به جنبش درآمد. سپس لحظه‌ای سکوت کرد تا همه مردم خاموش و گریه آنان ساكت شد و جوش و خروششان آرام یافت، آنگاه حضرت زهرا (س) کلامش را با حمد و ثنای الهی آغاز فرمود و درود بر رسول خدا فرستاد، در اینجا دوباره صدای گریه مردم برخاست، وقتی سکوت برقرار شد، کلام خویش را دنبال کرد و فرمود:

**الْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰى مَا أَنْعَمَ وَلَهُ الشُّكْرُ عَلٰى مَا أَلْهَمَ وَالثَّنَاءُ بِمَا قَدَّمَ مِنْ عُمُومٍ نَعِمٍ ابْتَدَأَهَا وَسُبُوغُ الْأَعْسَدَاهَا وَتَمَامِ مِنْ أَوْلَاهَا جَمَّ عَنِ الْأَحْصَاءِ عَدْدُهَا وَنَائِي عَنِ الْجُزَاءِ أَمْدُهَا وَتَقَوَّتَ عَنِ الْأَدْرَاكِ أَبْدُهَا وَنَدَبَّهُمْ لَا سُتْرَادِهَا بِالشُّكْرِ لَا تِصَالِهَا وَاسْتَحْمَدَ إِلَى الْخَلَائقِ بِإِجْزَاهَا وَنَنِي بِالنَّذْبِ إِلَى أَمْثَالِهَا**

حمد و سپاس خدای را برآنچه ارزانی داشت، و شکر او را در آنچه الهام فرمود، و ثنا و شکر بر او بر آنچه پیش فرستاد، از نعمتهای فراوانی که خلق فرمود و عطایای گستردگی که اعطای کرد، و منتهای بی‌شماری که ارزانی داشت، که شمارش از شمردن آنها عاجز، و نهایت آن از پاداش فراتر، و دامنه آن تا ابد از ادراک دورتر است، و مردمان را فراخواند، تا با شکرگذاری آنها نعمتها را زیاده گرداند، و با گستردگی آنها مردم را به سپاسگزاری خود متوجه ساخت، و با دعوت نمودن به این نعمتها آنها را دو چندان کرد.

**وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، كَلِمَةُ جَعْلِ الْأَخْلَاصِ تَأْوِيلَهَا، وَضَمَّنَ الْقُلُوبَ مَوْصُولَهَا، وَأَنَارَ فِي التَّفَكُّرِ مَعْقُولَهَا، الْمُمْتَنَعُ عَنِ الْأَبْصَارِ رُؤْيَتُهُ، وَمِنَ الْأَلْأَسْنِ صِفَتُهُ، وَمِنَ الْأَوْهَامِ كَيْفِيَتُهُ، ابْتَدَعَ الْأَشْيَاءُ لَا مِنْ شَيْءٍ كَانَ قَبْلَهَا، وَأَنْشَأَهَا بِلَا حِتْنَادِهِ أَمْثَالَهَا، كَوَّنَهَا بِقُدرَتِهِ وَدَرَأَهَا بِمُشَيْتِهِ، مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ مِنْهُ إِلَى تَكْوينِهَا، وَلَا فَائِدَةٌ لَهُ فِي تَصْوِيرِهَا، إِلَّا تَشْيِتاً لِحِكْمَتِهِ وَتَنْسِيَةً عَلَى طَاعَتِهِ، وَإِظْهَارًا لِقُدرَتِهِ وَتَعْبِداً لِبِرِّيَتِهِ، ثُمَّ جَعَلَ الثَّوَابَ عَلَى طَاعَتِهِ، وَوَضَعَ الْعِقَابَ عَلَى مَعْصِيَتِهِ، ذِيَادَةً لِعِبَادَهِ مِنْ نِقْمَتِهِ وَحِيَاشَهُ لَهُمْ إِلَى جَنَّتِهِ.**

و گواهی می‌دهم که معبدی جز خداوند نیست و شریکی ندارد، که این امر بزرگی است که اخلاص را تأویل آن و قلوب را متضمن وصل آن ساخت، و در پیشگاه تفکر و اندیشه شناخت آن را آسان نمود، خداوندی که چشم‌ها از دیدنش بازمانده، و زبانها از وصفش ناتوان، و اوهام و خیالات از درک او عاجز می‌باشند. موجودات را خلق فرمود بدون آنکه از ماده‌ای موجود شوند، و آنها را پدید آورد بدون آنکه از قالبی تبعیت کنند، آنها را به قدرت خویش ایجاد و به مشیتش پدید آورد، بی‌آنکه در ساختن آنها نیازی داشته و در تصویرگری آنها فائدگی

برایش وجود داشته باشد؛ بلکه آنها را تنها برای این جهت آفرید که حکمت و فرزانگی خود را اثبات کند و بندگان را بر اطاعت از خود آگاهی دهد و قدرتش را آشکار بلکه آنها را تنها برای این جهت آفرید که حکمت و فرزانگی خود را اثبات کند و بندگان را بر اطاعت از خود آگاهی دهد و قدرتش را آشکار سازد، و مردم را به بندگی واداشته، و دعوت خود را تقویت و تثبیت کند. آنگاه بر اطاعت‌ش پاداش و بر معصیت‌ش عقاب مقرر داشت، تا بندگانش را از نعمت‌ش بازدارد و آنان را بسوی بهشت‌ش رهنمون گردد.

**وَأَشْهَدُ أَنَّ أَبِي مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، إِخْتَارَهُ قَبْلَ أَنْ أَرْسَلَهُ، وَسَمَّاهُ قَبْلَ أَنْ اجْتَبَاهُ، وَاصْطَفَاهُ قَبْلَ أَنْ انتَعَنَّهُ، إِذْ  
الْخَلَائِقُ بِالْغَيْبِ مَكْنُونَةٌ، وَبِسُرْرِ الْأَهَاوِيلِ مَصْنُونَةٌ، وَبِنِهَايَةِ الْعَدَمِ مَقْرُونَةٌ، عِلْمًا مِنَ اللَّهِ تَعَالَى بِمَائِلِ الْأُمُورِ، وَإِحْاطَةٌ  
بِحَوَادِثِ الدُّهُورِ، وَمَعْرِفَةٌ بِمَوَاقِعِ الْأُمُورِ.**

و گواهی می‌دهم که پدرم محمد بنده و فرستاده اوست، که قبل از فرستاده شدن او را انتخاب، و قبل از برگزیدن نام پیامبری بر او نهاد، و قبل از مبعوث شدن او را برانگیخت، آن هنگام که مخلوقات در حجاب غیبت بوده، و در نهایت تاریکی‌ها بسر برده، و در سر حد عدم و نیستی قرار داشتند، او را برانگیخت بخارط علمش به عاقب کارها، و احاطه‌اش به حوادث زمان، و شناسائی کاملش به وقوع مقدرات.

**إِنْتَعَنَّهُ اللَّهُ أَنْمَامًا لَأَمْرِهِ، وَعَزِيمَةً عَلَى إِمْضَاءِ حُكْمِهِ، وَأَنْفَادًا لِمَقَادِيرِ رَحْمَتِهِ، فَرَأَى الْأَمَمَ فَرَقًا فِي أَدْيَانِهَا، عَكْفًا عَلَى  
نِيرَانِهَا، عَابِدًا لِأَوْتَانِهَا، مُنْكِرًا لِلَّهِ مَعَ عِرْفَانِهَا. فَأَنَارَ اللَّهُ بِأَبِي مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَاللهُ ظَلَمَهَا، وَكَشَفَ عَنِ الْقُلُوبِ  
بِهِمَهَا، وَجَلَّ عَنِ الْأَبْتَصَارِ غُمَمَهَا، وَقَامَ فِي النَّاسِ بِالْهِدَايَةِ، فَأَنْقَذَهُمْ مِنَ الغِوايَةِ، وَبَصَرَهُمْ مِنَ الْعِمَاءِ، وَهَدَاهُمْ إِلَى  
الدِّينِ الْقَوِيمِ، وَدَعَاهُمْ إِلَى الطَّرِيقِ الْمُسْتَقِيمِ. ثُمَّ قَبَضَهُ اللَّهُ أَلَيْهِ قَبْضَ رَأْفَةٍ وَاحْتِيَارٍ، وَرَغْبَةٍ وَإِثْنَارٍ، فَمُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ  
عَلَيْهِ وَاللهِ مِنْ تَعَبِ هَذِهِ الدَّارِ فِي رَاحَةٍ، قَدْ حَفَّ بِالْمَلَائِكَةِ الْأَبْرَارِ وَرِضْوَانَ الرَّبِّ الْفَغَارِ، وَمُجَاوِرَةِ الْمَلِكِ الْجَبارِ،  
صَلَّى اللَّهُ عَلَى أَبِي نَبِيِّهِ وَأَمِينِهِ وَخَيْرِهِ مِنَ الْخَلْقِ وَصَفِيهِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ.**

او را برانگیخت تا امرش را کامل و حکم قطعی‌اش را امضا و مقدراتش را اجرا نماید، و آن حضرت امته را دید که در آئینه‌ای مختلفی قرار داشته، و در پیشگاه آتشهای افروخته معتکف و بت‌های تراشیده شده را پرستنده، و خداوندی که شناخت آن در فطرشان قرار دارد را منکرند. پس خدای بزرگ بوسیله پدرم محمد صلی الله علیه و آله تاریکی‌های آن را به نور مبدل نمود و مشکلات قلبها را برطرف، و موانع رویت دیده‌ها را از میان برداشت، و با هدایت در میان مردم قیام کرده و آنان را از گمراهی رهانید، و کوری دلشان را به بصیرت مبدل نمود، و ایشان را به دین استوار و محکم رهنمون شده، و به راه راست دعوت نمود. تا هنگامی که خداوند او را بسوی خود فراخواند، فراخواندنی از روی مهربانی و آزادی و رغبت و میل، پس آن حضرت از رنج این دنیا در آسایش

بوده، و فرشتگان نیکوکار در گردآگرد او قرار داشته، و خشنودی پروردگار آمرزنده او را فراگرفته، و در جوار رحمت او قرار دارد، پس درود خدا بر پدرم، پیامبر و امینش و بهترین خلق و برگزیده‌اش باد، و سلام و رحمت و برکات الهی براو باد.

ثُمَّ التفت إِلَى أَهْلِ الْمَجْلِسِ وَقَالَتْ: أَنْتُمْ عِبَادُ اللَّهِ تُصْبِطُ أَمْرِهِ وَنَهِيَّهُ، وَحَمَلَهُ دِينُهُ وَوَحْيُهُ، وَأَمْنَاءُ اللَّهِ عَلَى أَنْفُسِكُمْ، وَبُلْغَاوَهُ إِلَى الْأَمْمِ، رَعَيْمَ حَقًّا لَهُ فِيْكُمْ وَعَهْدٌ قَدَّمَهُ إِلَيْكُمْ، وَبَقِيَّةٌ إِسْتَخْلَفَهَا عَلَيْكُمْ: كِتَابُ اللَّهِ النَّاطِقُ وَالْقُرْآنُ الصَّادِقُ، وَالنُّورُ السَّاطِعُ وَالضَّيْاءُ الْلَّامُ، بَيْنَهُ بَصَائِرُهُ، مُنْكَشِفَةٌ سَرَائِرُهُ، مُنْجَلِّيَّةٌ طَوَاهِرُهُ، مُغْتَطِّيَّةٌ بِهِ أَشْيَاعُهُ، قَائِدًا إِلَى الرَّضْوَانِ اِتْبَاعُهُ، مُؤَدِّاً إِلَى النَّجَاهِ اِسْتِمَاعُهُ. بِهِ تَنَالُ حُجَّاجُ اللَّهِ الْمُنَورَةُ، وَعَزَائِمُهُ الْمُفَسَّرَةُ، وَمَحَارِمُهُ الْمُحَذَّرَةُ، وَبَيْنَاتُهُ الْجَالِيَّةُ، وَبَرَاهِينُهُ الْكَافِيَّةُ، وَفَضَائِلُهُ الْمَنْدُوبَةُ، وَرُخْصَهُ الْمَوْهُوبَةُ، وَشَرَائِعُهُ الْمَكْتُوبَةُ.

آنگاه حضرت فاطمه عليه‌السلام رو به مردم کرده و فرمود: شما ای بندگان خدا پرچمداران امر و نهی او، و حاملان دین و وحی او، و امینهای خدا بر یکدیگر، و مبلغان او بسوی امتهایید، زمامدار حق در میان شما بوده و پیمانی است که از پیشاپیش بسوی تو فرستاده، و باقیماندهای است که برای شما باقی گذارده، و آن کتاب گویای الهی و قرآن راستگو و نور آشکار و شعاع درخشان است، که بیان و حجت‌های آن روشن، اسرار باطنی آن آشکار، ظواهر آن جلوه‌گر می‌باشد، پیروان آن مورد غبیطه جهانیان بوده، و تبعیت از او خشنودی الهی را باعث می‌گردد، و شنیدن آن راه نجات است. بوسیله آن می‌توان به حجت‌های نورانی الهی، و واجباتی که تفسیر شده، و محترماتی که از ارتکاب آن منع گردیده، و نیز به گواهیهای جلوه‌گرش و برهانهای کافیش و فضائل پسندیده‌اش، و رخصتهای بخشیده شده‌اش و قوانین واجبیش دست یافت.

فَجَعَلَ اللَّهُ الْأَيْمَانَ تَطْهِيرًا لَكُمْ مِنَ الشَّرْكِ، وَالصَّلَاةَ تَنْزِيْهًا لَكُمْ عَنِ الْكُبْرِ، وَالزَّكَاةَ تَرْكِيَّةً لِلنَّفْسِ وَنِمَاءً فِي الرِّزْقِ، وَالصَّيَّامَ تَبْيَانًا لِلْإِخْلَاصِ، وَالْحَجَّ تَشْيِيدًا لِلَّدِينِ، وَالْعَدْلَ تَنْسِيقًا لِلْقُلُوبِ، وَطَاعَتَنَا نِظَامًا لِلْمِلَّةِ، وَإِمَامًا أَمَانًا لِلْفُرْقَةِ، وَالْجِهَادُ عِزًا لِلْإِسْلَامِ، وَالصَّبَرُ مَعْوِنَةً عَلَى اسْتِبْحَابِ الْأَجْرِ، وَالْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلِحَةً لِلْعَامَةِ، وَبِرُّ الْوَالِدِينِ وَقَائِيَّةً مِنَ السَّخْطِ، وَصِلَةُ الْأَرْحَامِ مَنسَاءً فِي الْعُمُرِ وَمَنْمَاءً لِلْعَدَدِ، وَالْقِصَاصُ حِقْنًا لِلَّدَمَاءِ، وَالْوَفَاءُ بِالنَّدْرِ تَعْرِيضاً لِلْمَغْفِرَةِ، وَتَوْفِيَّةُ الْمَكَائِيلِ وَالْمَوَازِينِ تَغْيِيرًا لِلْبَخْسِ

پس خدای بزرگ ایمان را برای پاک کردن شما از شرک، و نماز را برای پاک نمودن شما از تکبر، و زکات را برای تزکیه نفس و افزایش روزی، و روزه را برای تثبیت اخلاص، و حج را برای استحکام دین، و عدالت ورزی را برای التیام قلبها، و اطاعت ما خاندان را برای نظم یافتن ملت‌ها، و امامتمن را برای رهایی از تفرقه، و جهاد را برای عزت اسلام، و صبر را برای کمک در بدست آوردن پاداش قرار داد و امر به معروف را برای مصلحت

جامعه، و نیکی به پدر و مادر را برای رهایی از غضب الهی، و صله ارحام را برای طولانی شدن عمر و افزایش جمعیت، و قصاص را وسیله حفظ خونها، و وفای به نذر را برای در معرض مغفرت الهی قرار گرفتن، و دقت در کیل و وزن را برای رفع کم‌فروشی مقرر فرمود

وَالنَّهُىَ عَنْ شُرُبِ الْخَمْرِ تَنْزِيهًآ عَنِ الرِّجْسِ، وَاجْتِنَابَ الْقَذْفِ حِجَابًا عَنِ اللَّعْنَةِ، وَتَرْكَ السُّرْقَةِ اِيجَابًا لِلْعِصْمَةِ، وَحَرَمَ  
اللَّهُ الشَّرُكَ اِخْلَاصًا لَهُ بِالرُّبُوْبِيَّةِ. فَاتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَايَهِ، وَلَا تَمُوتُنَّ اِلَّا وَأَتَتْمُ مُسْلِمُونَ، وَأَطْبِعُوا اللَّهَ فِيمَا أَمْرَكُمْ بِهِ وَ  
نَهَاكُمْ عَنْهُ، فَإِنَّمَا يَخْشَى اللَّهُ مِنْ عِبَادِهِ الْعَلَمَاءُ. ثُمَّ قَالَتْ: أَيُّهَا النَّاسُ! اعْلَمُوا اَنِّي فاطِمَةٌ وَأَبِي مُحَمَّدٍ، اقْوُلُ عَوْدًا وَ  
بَدْءًا، وَلَا اقْوُلُ مَا افْعَلُ شَطَطاً، لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ اُنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنْتُمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ  
بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ. فَإِنْ تَعْزُوهُ وَتَغْرِفُهُ تَجْدُوهُ اَبِي دُونَ نِسَائِكُمْ، وَأَخَا ابْنِ عَمِّي دُونَ رِجَالِكُمْ، وَلَنِعْمَ الْمَغْزِيُّ  
إِلَيْهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. فَبَلَّغَ الرِّسَالَةَ صَادِعًا بِالنَّذَارَةِ، مَائِلًا عَنْ مَدْرَجَةِ الْمُشْرِكِينَ، ضَارِبًا بِجَهَنَّمَ، اخِذًا بِاَكْظَامِهِمْ،  
دَاعِيًا اِلَى سَبِيلِ رَبِّهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، يَجْفُ اَلْأَصْنَامَ وَيَنْكُثُ الْهَامَ، حَتَّى انْهَمَ الْجَمْعُ وَوَلَّوا الدُّبُرُ

و نهی از شرابخواری را برای پاکیزگی از زشتی، و حرمت نسبت ناروا دادن را برای عدم دوری از رحمت الهی، و ترک دزدی را برای پاکدامنی قرار داد، و شرك را حرام کرد تا در یگانه پرستی خالص شوند. پس آنگونه که شایسته است از خدا بترسید، و از دنیا نروید جز آنکه مسلمان باشید، و خدا را در آنچه بدان امر کرده و از آن بازداشته اطاعت نماید، همانا که فقط دانشمندان از خاک می ترسند. آنگاه فرمود: ای مردم! بدانید که من فاطمه و پدرم محمد است، آنچه ابتدا گوییم در پایان نیز می گوییم، گفتارم غلط نبوده و ظلمی در آن نیست، پیامبری از میان شما برانگیخته شد که رنجهای شما بر او گران آمده و دلسوز بر شما است، و بر مؤمنان مهربان و عطوف است. پس اگر او را بشناسید می دانید که او در میان زنانتان پدر من بوده، و در میان مردانتان برادر پسر عمومی من است، چه نیکو بزرگواری است آنکه من این نسبت را به او دارم. رسالت خود را با انذار انجام داد، از پرتگاه مشرکان کناره گیری کرده، شمشیر بر فرقشان نواخت، گلویشان را گرفته و با حکمت و پند و اندرز نیکو بسوی پروردگارشان دعوت نمود، بتها را نابود ساخته، و سر کینه توزان را می شکند، تا جمعشان منهزم شده و از میدان گریختند.

حَتَّى تَقْرَى الَّلَيْلُ عَنْ صُبْحِهِ، وَأَسْفَرَ الْحَقُّ عَنْ مَحْضِهِ، وَنَطَقَ زَعِيمُ الدِّينِ، وَحَرَسَتْ شَعَاشِقُ الشَّيَاطِينِ، وَطَاحَ وَشَيَطُ  
النُّفَاقِ، وَانْحَلَّتْ عَقْدُ الْكُفْرِ وَالشَّقَاقِ، وَفَهِمْ بِكَلْمَةِ الْاِحْلَاصِ فِي تَقْرِيرِ مِنَ الْبَيْضِ الْخِمَاصِ. وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حَفْرَةِ مِنَ  
النَّارِ، مُذْقَهَ الشَّارِبِ، وَنُهْزَهَ الطَّامِعِ، وَقُبْسَهَ الْعِجْلَانِ، وَمَوْطِيَّهَ الْأَقْدَامِ، تَشْرِبُونَ الطَّرْقَ، وَتَقْتَلُونَ الْقَدَدَ، اذْلَهَ  
خَاسِئِينَ، تَخَافُونَ اَنْ يَتَخَطَّفُوكُمُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِكُمْ، فَانْقَذُكُمُ اللَّهُ تَبارَكَ وَتَعَالَى بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَعْدَ الْلَّتَّا وَ  
الَّتِي، وَبَعْدَ اَنْ مُنِيَّ بِهِمِ الرِّجَالِ، وَذُوبَانِ الْعَرَبِ، وَمَرَدَهُ اَهْلِ الْكِتَابِ. كُلَّمَا اُوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ اَطْفَاهَا اللَّهُ، اَوْ نَجَمَ  
فَرْنُ الشَّيْطَانِ، اَوْ فَغَرَتْ فَاغِرَهُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ، فَدَفَ أَخَاهُ فِي لَهْوَاتِهَا، فَلَا يَنْكُنِيْهُ حَتَّى يَطَأْ جِنَاحَهَا بِاَحْمَصِهِ، وَيَخْمِدَ

لَهُبَّاهَا سِيَقَهٌ، مَكْدُودًا فِي ذَاتِ اللَّهِ، مُجْتَهِدًا فِي أَمْرِ اللَّهِ، قَرِيبًا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ، سَيِّدًا فِي أَوْلَيَاءِ اللَّهِ، مُشَمِّرًا نَاصِحًا مُجَدًا  
كَادِحًا، لَا تَأْخُذْهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةً لِائِمٍ. وَأَتْهُمْ فِي رَفَاهِيَّهٍ مِنَ الْعِيشِ، وَادِعُونَ فَاكِهُونَ آمِنُونَ، تَتَرَبَّصُونَ بِنَا الدَّوَائِرَ، وَ  
تَتَوَكَّفُونَ الْأَخْبَارَ، وَتَنْكُصُونَ عِنْدَ النِّزَالِ، وَتَفِرُّونَ مِنَ الْقِتَالِ.

تا آنگاه که صبح روشن از پرده شب برآمد، و حق نقاب از چهره برکشید، زمامدار دین به سخن درآمد، و فریاد شیطانها خاموش گردید، خار نفاق از سر راه برداشته شد، و گرهای کفر و تفرقه از هم گشوده گردید، و دهانهای شما به کلمه اخلاص باز شد، در میان گروهی که سپیدرو و شکم به پشت چسبیده بودند. و شما بر کناره پرتگاهی از آتش قرار داشته، و مانند جرعهای آب بوده و در معرض طمع طماعان قرار داشتید، همچون آتش زنهای بودید که بلافاصله خاموش می گردید، لگدکوب روندگان بودید، از آبی می نوشیدید که شتران آن را آلوده کرده بودند، و از پوست درختان به عنوان غذا استفاده می کردید، خوار و مترود بودید، می ترسیدند که مردمانی که در اطراف شما بودند شما را بربایند، تا خدای تعالی بعد از چنین حالاتی شما را بدست آن حضرت نجات داد، بعد از آنکه از دست قدرتمندان و گرگهای عرب و سرکشان اهل کتاب ناراحتیها کشیدید. هرگاه آتش جنگ برافروختند خداوند خاموشش نموده، یا هر هنگام که شیطان سر برآورده یا اژدهائی از مشرکین دهان باز کرد، پیامبر برادرش را در کام آن افکند، و او تا زمانی که سرآنان را به زمین نمی کوفت و آتش آنها را به آب شمشیرش خاموش نمی کرد، باز نمی گشت، فرسوده از تلاش در راه خدا، کوشیده در امر او، نزدیک به پیامبر خدا، سروری از اولیاء الهی، دامن به کمر بسته، نصیحتگر، تلاشگر، و کوشش کننده بود، و در راه خدا از ملامت ملامت کننده نمی هراسید. و این در هنگامهای بود که شما در آسایش زندگی می کردید، در مهد امن متنعم بودید، و در انتظار بسر می بردید تا ناراحتیها ما را در بر گیرد، و گوش به زنگ اخبار بودید، و هنگام کارزار عقبگرد می کردید، و به هنگام نبرد فرار می نمودید.

فَلَمَّا اخْتَارَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ دَارَ أَنْبِيَاءَهُ وَمَأْوَى أَصْفَيَائِهِ، ظَهَرَ فِيْكُمْ حَسْكَهُ النَّفَاقِ، وَسَمَلَ جِلْبَابُ الدِّينِ، وَنَطَقَ كاظِمُ الْغَاوِينَ،  
وَبَيَّنَ خَامِلُ الْأَقْلَيْنَ، وَهَدَرَ فَيْقُ الْمُبْنِطِلِينَ، فَخَطَرَ فِي عَرَصَاتِكُمْ، وَأَطْلَعَ الشَّيْطَانُ رَأْسَهُ مِنْ مَعْرِزِهِ، هَاقَنَا بِكُمْ، فَالْفَاقِمُ  
لِدُعَوَتِهِ مُسْتَجِيْسِينَ، وَلِغَرْرَهُ فِيْهِ مُلَاحِظِينَ، ثُمَّ اسْتَهْضَكُمْ فَوَجَدَكُمْ خَفَافًا، وَأَحْمَسَكُمْ فَالْفَاكِمُ عَضَابًا، فَوَسَمْتُمْ غَيْرَ إِلَيْكُمْ،  
وَوَرَدْتُمْ غَيْرَ مَشْرِيْكُمْ. هَذَا، وَالْعَهْدُ قَرِيبُ، وَالْكَلْمُ رَحِيبُ، وَالْجُرْحُ لَمَّا يَنْدَمِلُ، وَالرَّسُولُ لَمَّا يُقْبَرُ، إِنْدَارًا زَعْمَنْ  
خَوْفَ الْفِتْنَةِ، إِلَّا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا، وَإِنَّ جَهَنَّمَ لِمُحِيطَهِ بِالْكَافِرِينَ. فَهَيَّهَاتَ مِنْكُمْ، وَكَيْفَ بِكُمْ، وَأَنَّى تُؤْفَكُونَ، وَكِتَابُ  
اللَّهِ يَئِنَّ أَظْهِرَكُمْ، أَمْوَرَهُ ظَاهِرَهُ، وَأَحْكَامَهُ زَاهِرَهُ، وَأَعْلَامَهُ بَاهِرَهُ، وَزَوَاجِهُ لَانِحَهُ، وَأَوْامِرُهُ وَاضِحَهُ، وَقَدْ حَلَّفْتُمُوهُ  
وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ، أَرَغَبَهُ عَنْهُ تُرِيدُونَ؟ أَمْ بِغَيْرِهِ تَحْكُمُونَ؟ بِئْسَ لِلظَّالَمِينَ بَدَلًا، وَمَنْ يَنْتَعِ غَيْرَ الْأَسْلَامِ دِيَنًا فَلَنْ يُثْبِلَ مِنْهُ،  
وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ

و آنگاه که خداوند برای پیامبرش خانه انبیاء و آرامگاه اصفیاء را برگزید، علائم نفاق در شما ظاهر گشت، و جامه دین کهنه، و سکوت گمراهان شکسته، و پست رتبه‌گان با قدر و منزلت گردیده، و شتر نازپرورده اهل باطل به صدا درآمد، و در خانه‌هایتان بیامد، و شیطان سر خویش را از مخفی گاه خود بیرون آورد، و شما را فراخواند، مشاهده کرد پاسخگوی دعوت او هستید، و برای فریب خوردن آماده‌اید، آنگاه از شما خواست که قیام کنید، و مشاهده کرد که به آسانی این کار را انجام می‌دهید، شما را به غضب واداشت، و دید غضبناک هستید، پس بر شتران دیگران نشان زدید، و برآبی که سهم شما نبود وارد شدید. این در حالی بود که زمانی نگذشته بود، و موضع شکاف زخم هنوز وسیع بود، و جراحت التیام نیافته، و پیامبر به قبر سپرده نشده بود، بهانه آوردید که از فتنه می‌هراسید، آگاه باشید که در فتنه قرار گرفته‌اید، و براستی جهنم کافران را احاطه نموده است. این کار از شما بعید بود، و چطور این کار را گردید، به کجا روی می‌آوردید، در حالی که کتاب خدا رویاروی شمامست، امورش روشن، و احکامش درخشان، و علائم هدایتش ظاهر، و محرماتش هویدا، و اوامر ش واضح است، ولی آن را پشت سر انداختید، آیا بی‌رغبتی به آن را خواهانید؟ یا بغیر قرآن حکم می‌کنید؟ که این برای ظالمان بدل بدی است، و هرکس غیر از اسلام دینی را جویا باشد از او پذیرفته نشده و در آخرت از زیانکاران خواهد بود.

لَمْ تَلْتُبُوا إِلَى رِيْثَ أَنْ تَسْكُنَ نَفْرَتَهَا، وَ يَسْلَسَ قِيَادَهَا، لَمْ أَخْذُنُمْ نُورُونَ وَ قُدْتَهَا، وَ تُهْبِجُونَ جَمْرَتَهَا، وَ تَسْجِبُونَ لِهِتَافِ الشَّيْطَانِ الْغَوِيِّ، وَ اطْفَاءِ انْوَارِ الدِّينِ الْجَلِيِّ، وَ اهْمَالِ سُنَّ النَّبِيِّ الصَّفِيِّ، تُسْرُونَ حَسْنَوْ فِي ارْتِقاءِ، وَ تَمْسُونَ لَاهْلَهِ وَ وَلَدَهِ فِي الْخَمْرِ وَ الْبَرَاءِ، وَ تَصْبِرُ مِنْكُمْ عَلَى مِثْلِ حَزْ الْمُدَى، وَ وَحْزِ السَّنَانِ فِي الْحَشا. وَ أَتْهُمُ الَّذِي تَرْعَمُونَ أَنْ لَا ارْتَ لَنَا أَفْحَكْمُ الْجَاهِلِيَّةِ تَبَعُونَ، وَ مَنْ أَحْسَنَ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ، أَفَلَا تَعْلَمُونَ؟ بَلِي، قَدْ تَجَلَّ لَكُمْ كَالشَّمْسُ الضَّاحِيَّةُ أَنَّى اِنْتَهُ. أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ! أَعْلَمُ عَلَى اِرْتَهِي؟ يَابْنَ أَبِي قُحَافَةَ! أَفَيْ كِتَابُ اللَّهِ تَرَثُ أَبَاكَ وَ لَا أَرَثُ أَبِي؟ لَقَدْ جِئْتَ شَيْنَا فَرِيَّةً، أَفْلَى عَمْدِ تَرَكْتُمْ كِتَابَ اللَّهِ وَ تَبَذَّلْتُمُوهُ وَرَاءَ طُهُورِكُمْ، إِذْ يَقُولُ «وَ وَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاؤْدَ» (۱) وَ قَالَ فِيمَا افْتَصَ مِنْ خَبَرِ زَكَرِيَا اِذْ قَالَ: «فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيَا يَرِثُنِي وَ يَرِثُ مِنْ اِلْيَعْقُوبَ»، (۲) وَ قَالَ: «وَ اوْلُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَى بِيَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ»، (۳) وَ قَالَ «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُشْرِقِينِ»، (۴) وَ قَالَ «إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدِينِ وَالْأَقْرَبِينِ بِالْمَعْرُوفِ حَقَّا عَلَى الْمُتَّقِينَ». (۵)

آنگاه آنقدر درنگ نکردید که این دل رمیده آرام گیرد، و کشیدن آن سهل گردد، پس آتش گیره‌ها را افروخته تر کرده، و به آتش دامن زدید تا آن را شعله‌ور سازید، و برای اجابت ندای شیطان، و برای خاموش کردن انوار دین روشن خدا، و از بین بردن سنن پیامبر برگزیده آماده بودید، به بهانه خوردن، کف شیر را زیر لب پنهان می‌خورید، و برای خانواده و فرزندان او در پشت تپه‌ها و درختان کمین گرفته و راه می‌رفتید، و ما باید بر این امور که همچون کسی که خنجر بر گلوی او نوک نیزه بر دل او نشسته باشد، صبر کنیم. و شما اکنون گمان می

برید که برای ما ارثی نیست، آیا خواهان حکم جاهلیت هستید، و برای اهل یقین چه حکمی بالاتر از حکم خداوند است، آیا نمی‌دانید؟ در حالی که برای شما همانند آفتاب درخشان روشن است، که من دختر او هستم. ای مسلمانان! آیا سزاوار است که ارث پدرم را از من بگیرند، ای پسر ابی قحافه، آیا در کتاب خداست که تو از پدرت ارث ببری و از ارث پدرم محروم باشم امر تازه و زشتی آورده، آیا آگاهانه کتاب خدا را ترک کرده و پشت سر می‌اندازید، آیا قرآن نمی‌گوید «سليمان از داود ارث برد»، و در مورد خبر زکریا آنگاه که گفت: «پروردگار مرا فرزندی عنایت فرما تا از من و خاندان یعقوب ارث برد»، و فرمود: «و خویشاوندان رحمی به یکدیگر سزاوارتر از دیگرانند»، و فرموده: «خدای تعالی به شما درباره فرزندان سفارش می‌کند که بهره پسر دو برابر دختر است»، و می‌فرماید: «هنگامی که مرگ یکی از شما فرارسد بر شما نوشته شده که برای پدران و مادران و نزدیکان وصیت کنید، و این حکم حقی است برای پرهیزگاران.

وَرَعْمَتْ أَنْ لَا حَظْوَةَ لِي، وَلَا أَرْثُ مِنْ أَبِي، وَلَا رَحِمَ يَئِنَّا، أَفْخَصَكُمُ اللَّهُ بِإِيمَانِ أَخْرَجَ أَبِي مِنْهَا؟ أَمْ هُلْ تَقُولُونَ: إِنَّ أَهْلَ مَلَكَتِنِ لَا يَتَوَارَّنُ؟ أَوْ لَسْتُ أَنَا وَأَبِي مِنْ أَهْلِ مِلَلَةٍ وَاحِدَةٍ؟ أَمْ أَنْتُمْ أَعْلَمُ بِخُصُوصِ الْقُرْآنِ وَعُمُومِهِ مِنْ أَبِي وَابْنِ عَمِّي؟ فَدُونَكُمْ مَخْطُومَةٌ مَرْحُولَةٌ تَلْقَائِي يَوْمَ حَشْرَكُ. فَنِعْمَ الْحُكْمُ اللَّهُ، وَالزَّعْيْمُ مُحَمَّدٌ، وَالْمَوْعِدُ الْقِيَامَةُ، وَعِنْدَ السَّاعَةِ يَخْسِرُ الْمُبْطِلُونَ، وَلَا يَنْفَعُكُمْ إِذْ تَنْدِمُونَ، وَلِكُلِّ نَبِأٍ مُسْتَقِرٌ، وَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيَهُ، وَيَحْلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُعِيمٌ.

و شما گمان می‌برید که مرا بهره‌ای نبوده و سهمی از ارث پدرم ندارم، آیا خداوند آیه‌ای به شما نازل کرده که پدرم را از آن خارج ساخته؟ یا می‌گوئید: اهل دو دین از یکدیگر ارث نمی‌برند؟ آیا من و پدرم را از اهل یک دین نمی‌دانید؟ یا شما به عام و خاص قرآن از پدر و پسرعمویم آگاهترید؟ اینک این تو و این شتر، شتری مهارزده و رحل نهاده شده، برگیر و ببر، با تو در روز رستاخیز ملاقات خواهد کرد. چه نیک داوری است خداوند، و نیکو دادخواهی است پیامبر، و چه نیکو وعده‌گاهی است قیامت، و در آن ساعت و آن روز اهل باطل زیان می‌برند، و پشیمانی به شما سودی نمی‌رساند، و برای هر خبری قرارگاهی است، پس خواهید دانست که عذاب خوارکننده بر سر چه کسی فرود خواهد آمد، و عذاب جاودانه که را شامل می‌شود.

ثُمَّ رَمَتْ بِطَرْفَهَا نَحْوَ الْأَنْصَارِ، فَقَالَتْ: يَا مَغْشَرَ النَّقِيَّةِ وَأَعْضَادَ الْمُلَلِ وَحَضَنَةَ الْأَسْلَامِ! مَا هَذِهِ الْفَمِيزَةُ فِي حَقِّي وَالسَّسَّةِ عَنْ ظُلْمَتِي؟ أَمَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَبِي يَقُولُ: «الْمَرْءُ يُحْفَظُ فِي وَلْدِهِ»، سَرْعَانَ مَا أَخْدَشْتُمْ وَعَجَلَانَ ذَا إِهَالَةِ، وَلَكُمْ طَاقَةٌ بِمَا أَحَاوُلُ، وَفُؤَادٌ عَلَى مَا أَطْلَبُ وَأَزَاوُلُ. أَنَّقُولُونَ مَاتَ مُحَمَّدٌ؟ فَخَطْبُ جَلِيلٍ اسْتَوْسَعَ وَهُنَّهُ، وَاسْتَهَرَ فَتْقُهُ، وَانْفَقَ رَتْقُهُ، وَأَظْلَمَتِ الْأَرْضُ لِغَيْبَتِهِ، وَكُسِّفَتِ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَانْتَرَتِ النُّجُومُ لِمُصِيبَتِهِ، وَأَكْدَتِ الْأَمَالُ، وَخَسَعَتِ الْجِبالُ، وَأُضْيَعَ الْحَرَبِيُّمُ، وَأُزْيَلَتِ الْحُرْمَةُ عِنْدَ مَمَاتِهِ. فَتِلْكَ وَاللَّهِ النَّازِلَةُ الْكُبْرَى وَالْمُصِيبَةُ الْعَظِيمَى، لِامْتِلَاهُ نَازِلَهُ، وَلَا بِائِقَةٌ عَاجِلَهُ أَعْلَنَ بِهَا، كِتَابُ اللَّهِ جَلَّ ثَناؤُهُ فِي أَفْنِيَتِكُمْ، وَفِي مُمْسَاكِمْ وَمُصِحِّكُمْ، يَهْفِفُ فِي أَفْنِيَتِكُمْ

هَتَافًا وَ صُرَاخًا وَ تِلَوَةً وَ الْحَانًا، وَ لَقِنَّهُ مَا حَلَّ بِأَنْبِياءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ، حَكْمٌ فَصِلٌّ وَ قَضَاءُ حَثْمٍ. «وَ مَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ ماتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبَ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَ مَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقِبِيهِ فَلَنْ يَضُرُّ اللَّهُ شَيْئًا وَ سَيَجْزِي اللَّهُ شَيْئًا وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ». (۶)

آنگاه رو بسوی انصار کرده و فرمود: ای گروه نقباء، و ای بازوan ملت، ای حافظان اسلام، این ضعف و غفلت در مورد حق من و این سهلانگاری از دادخواهی من چرا؟ آیا پدرم پیامبر نمی‌فرمود: «حرمت هرکس در فرزندان او حفظ می‌شود»، چه بسرعت مرتكب این اعمال شدید، و چه با عجله این بز لاغر، آب از دهان و دماغ او فروریخت، در صورتی که شما را طاقت و توان بر آنچه در راه آن می‌کوشیم هست، و نیرو برای حمایت من در این مطالبه و قصدم می‌باشد. آیا می‌گوئید محمد صلی الله علیه و آله بدرود حیات گفت، این مصیبتی است بزرگ و در نهایت وسعت، شکاف آن بسیار، و درز دوخته آن شکافته، و زمین در غیاب او سراسر تاریک گردید، و ستارگان بی‌فروغ، و آرزوها به نالمیدی گرایید، کوهها از جای فروریخت، حرمتها پایمال شد، و احترامی برای کسی پس از وفات او باقی نماند. بخدا سوگند که این مصیبت بزرگتر و بلیه عظیم‌تر است، که همچون آن مصیبته نبوده و بلای جانگذاری در این دنیا به پایه آن نمی‌رسد، کتاب خدا آن را آشکار کرده است، کتاب خدایی که در خانه‌هایتان، و در مجالس شبانه و روزانه‌تان، آرام و بلند، و با تلاوت و خوانندگی آن را می‌خوانید، این بلائی است که پیش از این به انبیاء و فرستاده شدگان وارد شده است، حکمی است حتمی، و قضائی است قطعی، خداوند می‌فرماید: محمد پیامبری است که پیش از وی پیامبران دیگری درگذشتند، پس اگر او بمیرد و یا کشته گردد به عقب برمنی گردید، و آنکس که به عقب برگردد به خدا زیانی نمی‌رساند، و خدا شکرکنندگان را پاداش خواهد داد.

إِيَّاهَا بَنِيَّ قَيْلَهُ! إِنَّمَا أَهْضَمْتُمْ تِراثَ أَبِي وَ إِنَّمَا بِمَرَآيِّ مِنِّي وَ مَسْمَعِي وَ مَسْتَدِي وَ مَجْمَعِي، تَلْبِسُكُمُ الدَّعْوَةُ وَ تَشْمَلُكُمُ الْخُبْرَةُ، وَ إِنَّمَا ذَوُو الْعَدَدِ وَ الْعُدَدَةُ وَ الْأَدَاءُ وَ الْقَوْةُ، وَ عِنْدَكُمُ السِّلاحُ وَ الْجُنَاحُ، تُوَافِيكُمُ الدَّعْوَةُ فَلَا تُجِيِّبُونَ، وَ تَأْتِيكُمُ الصَّرْخَةُ فَلَا تُغِيِّسُونَ، وَ إِنَّمَا مَوْصُوفُونَ بِالْكِفَاحِ، مَعْرُوفُونَ بِالْخَيْرِ وَ الصَّلَاحِ، وَ النُّخْبَةُ الَّتِي انتُخِبَتْ، وَ الْخَيْرُ الَّتِي اخْتِرَتْ لَنَا أَهْلُ الْبَيْتِ. قَاتَلْتُمُ الْعَرَبَ، وَ تَحْمَلْتُمُ الْكَدَّ وَ التَّعَبَ، وَ نَاطَحْتُمُ الْأَمْمَ، وَ كَافَحْتُمُ الْبَهَمَ، لَا تَبْرَحُ أَوْ تَبَرَّحُونَ، نَأْمُرُكُمْ فَتَأْمِرُونَ، حَتَّى إِذَا دَارَتْ بِنَا رَحْيَ الْأَسْلَامِ، وَ دَرَ حَلْبُ الْأَيَامِ، وَ حَضَّتْ نُغَرَّةُ الشَّرْكِ، وَ سَكَنَتْ فَوْرَهُ الْأَفْكَ، وَ حَمَدَتْ نِيرَانُ الْكُفَرِ، وَ هَدَأَتْ دَعْوَهُ الْهَرَجِ، وَ اسْتَوْسَقَ نِظَامُ الدِّينِ، فَإِنَّ حِزْمَمْ بَعْدَ الْبَيَانِ، وَ أَسْرَرَتْمْ بَعْدَ الْأَعْلَانِ، وَ نَكْصَتْ بَعْدَ الْأِقْدَامِ، وَ أَشْرَكَتْمْ بَعْدَ الْأَيَامِ؟

ای پسران قیله- گروه انصار- آیا نسبت به میراث پدرم مورد ظلم واقع شوم در حالی که مرا می‌بینید و سخن مرا می‌شنوید، و دارای انجمن و اجتماعید، صدای دعوت مرا همگان شنیده و از حالم آگاهی دارید، و دارای نفرات و ذخیره‌اید، و دارای ابزار و قوهاید، نزد شما اسلحه و زره و سپر هست، صدای دعوت من به شما

می‌رسد ولی جواب نمی‌دهید، و ناله فریاد خواهیم را شنیده ولی به فریاد نمی‌رسید، در حالی که به شجاعت معروف و به خیر و صلاح موصوف می‌باشد، و شما برگزیدگانی بودید که انتخاب شده، و منتخباتی که برای ما اهل بیت برگزیده شدید! با عرب پیکار کرده و متهم رنج و شدت‌ها شدید، و با امته روز نموده و با پهلوانان به نبرد برخاستید، همیشه فرمانبردار، تا آسیای اسلام به گردش افتاد، و پستان روزگار به شیر آمد، و نعره‌های شرک‌آمیز خاموش شده، و دیگ طمع و تهمت از جوش افتاد، و آتش کفر خاموش و دعوت ندای هرج و مرچ آرام گرفت، و نظام دین کاملاً ردیف شد، پس چرا بعد از اقرار تان به ایمان حیران شده، و پس از آشکاری خود را مخفی گردانید، و بعد از پیشقدمی عقب نشستید، و بعد ایمان شرک آوردید؟

بُؤْسًا لِقَوْمٍ نَكْثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ نَعْدِ عَهْدِهِمْ، وَهُمْ بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ نَدُوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ، اتَّخَذُونَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَحْشُوَهُ  
إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ. أَلَا، وَقَدْ أَرِيَ أَنْ قَدْ أَخْلَدْنَا إِلَى الْخَفْضِ، وَأَبْعَدْنَا مَنْ هُوَ أَحَقُّ بِالْبُسْطِ وَالْقَبْضِ، وَخَلَوْنَا بِالدَّعَةِ، وَ  
نَجَوْنَا بِالْفَيْقِ مِنَ السَّعَةِ، فَمَجْحُنْتُمْ مَا وَعَبَّتُمْ، وَدَسَّنْتُمُ الَّذِي تَسَوَّعُتُمْ، فَإِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ  
لَغَنِيُّ حَمِيدٌ. أَلَا، وَقَدْ قُلْتُ مَا قُلْتُ هَذَا عَلَى مَعْرِفَةٍ مِنِّي بِالْخِذْلَةِ الَّتِي خَامَرْتُكُمْ، وَالْغَدْرَةِ الَّتِي اسْتَشْعَرْتُهَا فُلُوبُكُمْ، وَ  
لَكُنَّهَا فَيْضَهُ النَّفْسِ، وَنَفَّثَهُ الْغَيْطِ، وَحَوَّزَ الْقَنَاهِ، وَبَثَّهُ الصَّدَرِ، وَتَقْدِمَهُ الْحَجَّةِ، فَدُونَكُمُوهَا فَاحْتَبِبُوهَا دِبَرَةَ الظَّهَرِ، نَقِيَّةَ  
الْخُفُّ، بِاقِيَّةَ الْعَارِ، مَوْسُومَةَ بِغَضَبِ الْجَبَارِ وَشَنَارِ الْأَبَدِ، مَوْصُولَةَ بِنَارِ اللَّهِ الْمُوْقَدَّةِ الَّتِي تَطَلَّعُ عَلَى الْأَفْقَدَةِ. فَبِعِينِ اللَّهِ  
مَا تَفْعَلُونَ، وَسَيَغْلِمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلِبٍ يَتَّقْلِبُونَ، وَأَنَا إِنَّهُ نَذِيرٌ لَكُمْ يَنِينَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ، فَاعْمَلُوا إِنَّا عَامِلُونَ، وَ  
اَنْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظَرُونَ.

وای بر گروهی که بعد از پیمان بستن آن را شکستند، و خواستند پیامبر را اخراج کنند، با آنکه آنان جنگ را آغاز نمودند، آیا از آنان هراس دارد در حالی که خدا سزاوار است که از او بهراسید، اگر مؤمنید. آگاه باشد می بینم که به تن آسانی جاودانه دل داده، و کسی را که سزاوار زمامداری بود را دور ساخته اید، با راحت طلبی خلوت کرده، و از تنگنای زندگی به فراخنای آن رسیده اید، در اثر آن آنچه را حفظ کرده بودید را از دهان بیرون ریختید، و آنچه را فروبرده بودید را بازگرداندند، پس بدانید اگر شما و هر که در زمین است کافر شوید، خدای بزرگ از همگان بی‌نیاز و ستوده است. آگاه باشد آنچه گفتم با شناخت کاملم بود، به سستی پدید آمده در اخلاق شما، و بی‌وفائی و نیرنگ ایجاد شده در قلوب شما، و لیکن اینها جوشش دل اندوهگین، و بیرون ریختن خشم و غصب است، و آنچه قابل تحمل نیست، و جوشش سینه‌ام و بیان دلیل و برهان، پس خلافت را بگیرید، ولی بدانید که پشت این شتر خلافت زخم است، و پای آن سوراخ و تاول دار، عار و ننگش باقی و نشان از غصب خدا و ننگ ابدی دارد، و به آتش شعله‌ور خدا که بر قلبها احاطه می‌یابد متصل است. آنچه می‌کنید در برابر چشم بینای خداوند قرار داشته، و آنانکه ستم کردند به زودی می‌دانند که به کدام بازگشتگاهی بازخواهند

گشت، و من دختر کسی هستم که شما را از عذاب دردنای الهی که در پیش دارید خبر داد، پس هرچه خواهید  
بکنید و ما هم کار خود را می‌کنیم، و شما منتظر بمانید و ما هم در انتظار بسر می‌بریم.

فَاجَبَهَا أَبُوبَكْرُ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُثْمَانَ، وَ قَالَ: يَا بُنْتَ رَسُولِ اللَّهِ! لَقَدْ كَانَ أَبُوكَ بِالْمُؤْمِنِينَ عَطْوَافًا كَرِيمًا، رَوْفًا رَحِيمًا، وَ عَلَى الْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا وَ عِقَابًا عَظِيمًا، إِنْ عَزَّزْنَاهُ أَبَاكَ دُونَ النِّسَاءِ، وَ أَخَا الْفِكِ دُونَ الْأَخْلَاءِ، أَتَرَهُ عَلَى كُلِّ حَمِيمٍ وَ سَاعِدَهُ فِي كُلِّ أَمْرٍ جَسِيمٍ، لَا يُحِبُّكُمُ إِلَّا سَعِيدٌ، وَ لَا يُنْعَضِّكُمُ إِلَّا شَقِّيٌّ بَعِيدٌ.

فَأَنْتُمْ عَتَرَةُ رَسُولِ اللَّهِ الطَّيِّبِينَ، الْخَيْرُ الْمُسْتَجِبُونَ، عَلَى الْخَيْرِ أَدْلَتْنَا وَ إِلَى الْجَنَّةِ مَسَالِكُنَا، وَ أَنْتِ يَا خَيْرَ النِّسَاءِ وَ أَبْنَاهُ  
خَيْرُ الْأَنْبِيَاءِ، صَادِقَةُ فِي قَوْلِكِ، سَابِقَةُ فِي وُقُورِ عَقْلِكِ، غَيْرُ مَرْدُودَةٍ عَنْ حَقِّكِ، وَ لَا مَصْدُودَةٍ عَنْ صِدْقِكِ. وَ اللَّهُ مَا  
عَدَوْتُ رَأْيَ رَسُولِ اللَّهِ، وَ لَا عَمِلْتُ إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَ الرَّأْيُ لَا يَكْذِبُ أَهْلَهُ، وَ إِنِّي أَشْهِدُ اللَّهَ وَ كَفَى بِهِ شَهِيدًا، أَنِّي سَمِعْتُ  
رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ: «نَحْنُ مَعَاشِ الْأَنْبِيَاءِ لَا نُورُثُ ذَهَبًا وَ لَا فِضَّةً، وَ لَا دَارَا وَ لَا عِقَارًا، وَ إِنَّمَا نُورُثُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ  
الْعِلْمَ وَ النُّبُوَّةَ، وَ مَا كَانَ لَنَا مِنْ طُعْمَةٍ فَلَوْلَى إِلَّا أَمْرٍ بَعْدَنَا أَنْ يُحْكَمُ فِيهِ بِحُكْمِهِ».

آنگاه ابوبکر پاسخ داد: ای دختر رسول خدا! پدر تو بر مؤمنین مهربان و بزرگوار و رئوف و رحیم، و بر کافران  
عذاب دردنای و عقاب بزرگ بود، اگر به نسب او بنگریم وی در میان زنانمان پدر تو، و در میان دوستان برادر  
شوهر توتست، که وی را بر هر دوستی برتری داد، و او نیز در هر کار بزرگی پیامبر را یاری نمود، جز  
سعادتمندان شما را دوست نمی‌دارند، و تنها بدکاران شما را دشمن می‌شمرند. پس شما خاندان پیامبر، پاکان  
برگزیدگان جهان بوده، و ما را به خیر راهنمای، و بسوی بهشت رهنمون بودید، و تو ای برترین زنان و دختر  
برترین پیامبران، در گفتار صادق، در عقل فراوان پیشقدم بوده، و هرگز از حقت بازداشته نخواهی شد و از  
گفتار صادقت مانعی ایجاد نخواهد گردید. و بخدا سوگند از رأی پیامبر قدمی فراتر نگذارده، و جز با اجازه او  
اقدام نکرده‌ام، و پیشرو قوم به آنان دروغ نمی‌گوید، و خدا را گواه می‌گیرم که بهترین گواه است، از پیامبر  
شنیدم که فرمود: «ما گروه پیامبران دینار و درهم و خانه و مزرعه به ارث نمی‌گذاریم، و تنها کتاب و حکمت و  
علم و نبوت را به ارث می‌نهیم، و آنچه از ما باقی می‌ماند در اختیار ولی امر بعد از ماست، که هر حکمی که  
بخواهد در آن بنماید.

وَ قَدْ جَعَلْنَا مَا حَاوَلْتُهُ فِي الْكِرَاعِ وَ السَّلَاحِ، يُقَاتِلُ بِهَا الْمُسْلِمُونَ وَ يُجَاهِدُونَ الْكُفَّارَ، وَ ذَلِكَ  
إِلَيْهِ جَمِيعُ الْمُسْلِمِينَ، لَمْ أَنْفَرِدْ بِهِ وَحْدَى، وَ لَمْ أَسْتَبِدْ بِمَا كَانَ الرَّأْيُ عِنْدِي، وَ هَذِهِ حَالِي وَ مَالِي، هِيَ لَكِ وَ بَيْنَ يَدَيْكِ، لَا  
تَرْزُوْي عَنْكِ وَ لَا نَدَرْخُ دُونَكِ، وَ أَنْكِ، وَ أَنْتِ سَيِّدَةُ أُمَّةِ أَبِيكِ وَ الشَّجَرَةُ الطَّيِّبَةُ لِبَنِيكِ، لَا يُدْفَعُ مَالُكِ مِنْ فَضْلِكِ، وَ لَا  
يُوضَعُ فِي فَرْعِكِ وَ أَصْلِكِ، حَكْمُكِ نَافِذٌ فِيمَا مَلَكْتُ يَدَايَ، فَهَلْ قَرِينٌ أَنْ أُخَالِفَ فِي ذَاكَ أَبَاكِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ  
سَلَّمَ).

و ما آنچه را که می‌خواهی در راه خرید اسب و اسلحه قرار دادیم، تا مسلمانان با آن کارزار کرده و با کفار جهاد نموده و با سرکشان بدکار جدال کنند، و این تصمیم به اتفاق تمام مسلمانان بود، و تنها دست به این کار نزدم، و در رأی و نظرم مستبدانه عمل ننمودم، و این حال من و این اموال من است که برای تو و در اختیار توست، و از تو دریغ نمی‌شود و برای فرد دیگری ذخیره نشده، توانی سرور بانوان امت پدرت، و درخت بارور و پاک برای فرزندانت، فضائلت انکار نشده، و از شاخه و ساقهات فروننهاده نمی‌گردد، حکمت در آنچه من مالک آن هستم نافذ است آیا می‌پسندی که در این زمینه مخالف سخن پدرت عمل کنم؟!!

فقالت: سُبْحَانَ اللَّهِ، مَا كَانَ أَبَى رَسُولُ اللَّهِ عَنْ كِتَابِ اللَّهِ صَادِقًا، وَ لَا يَحْكَامِهِ مُخَالَفًا، بَلْ كَانَ يَتَبَعُ أَنْرَهُ، وَ يَقْفُو سُورَهُ، أَفَتَجْمِعُونَ إِلَى الْغَدْرِ اعْتِلَالًا عَلَيْهِ بِالزُّورِ، وَ هَذَا بَعْدَ وَفَاقِهِ شَيْءٍ بِمَا بَعْنَى لَهُ مِنِ الْغَوَائِلِ فِي حَيَاةِهِ، هَذَا كِتَابُ اللَّهِ حَكْمًا عَدْلًا وَ نَاطِقًا فَصْلًا، يَقُولُ: «يَرِثُنِي وَ يَرِثُ مِنْ أَلِيَّعْقُوبَ»، وَ يَقُولُ: «وَ وَرِثَ سُلَيْمانَ دَاوِدَ».

حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: پاک و منزه است خداوند، پدرم پیامبر، از کتاب خدا روی گردن و با احکامش مخالف نبود، بلکه پیرو آن بود و به آیات آن عمل می‌نمود، آیا می‌خواهید علاوه بر نیرنگ و مکر به زور او را متهم نمائید، و این کار بعد از رحلت او شبیه است به دامهایی که در زمان حیاتش برایش گستردہ شد، این کتاب خداست که حاکمی است عادل، و ناطقی است که بین حق و باطل جدائی می‌اندازد، و می‌فرماید:- زکریا گفت: خدایا فرزندی به من بده که- «از من و خاندان یعقوب ارث ببرد»، و می‌فرماید: «سلیمان از داد داد برد».

بَيْنَ عَزَّ وَ جَلَّ فِيمَا وَزَعَ مِنَ الْأَقْسَاطِ، وَ شَرَعَ مِنَ الْفَرَائِضِ وَ الْمِيرَاثِ، وَ أَبَاحَ مِنْ حَظَّ الدَّكَرَانِ وَ الْأَنَاثِ، مَا أَزَاحَ بِهِ عَلَهُ الْمُبْطِلِينَ وَ أَزَالَ التَّظَنَّى وَ الشُّبُهَاتِ فِي الْغَابِرِينَ، كَلَّا بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا، «فَصَبِرْ جَمِيلُ وَ اللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصْفُونَ».

خداؤند در سهمیه‌هائی که مقرر کرد، و مقادیری که در ارت تعیین فرمود، و بهره‌هائی که برای مردان و زنان قرار داد، توضیحات کافی داده، که بهانه‌های اهل باطل، و گمانها و شباهات را تا روز قیامت زائل فرموده است، نه چنین است، بلکه هواهای نفسانی شما راهی را پیش پایتان قرار داده، و جز صبر زیبا چاره‌ای ندارم، و خداوند در آنچه می‌کنید یاور ماست.

فَقَالَ أَبُو بَكْرٌ: صَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ صَدَقَتْ أُبَيْتُهُ، مَغْدِنُ الْحِكْمَةِ، وَ مَوْطِنُ الْهُدَى وَ الرَّحْمَةِ، وَ رُكْنُ الدِّينِ، وَ عَيْنُ الْحُجَّةِ، لَا أَبْعَدُ صَوَابَكِ وَ لَا أُنْكِرُ خِطَابَكِ، هُوَ لِأَمْلَائِ الْمُسْلِمِينَ يَبْيَنِي وَ يَنْبَكِ قَلْدُونِي مَا تَقَدَّمْتُ، وَ بِإِنْفَاقِ مِنْهُمْ أَخَذْتُ مَا أَخَذْتُ، غَيْرَ مَكَابِرٍ وَ لَا مُسْتَدِدٍ وَ لَا مُسْتَأْثِرٍ، وَ هُمْ بِذِلِكَ شُهُودٌ.

ابوبکر گفت: خدا و پیامبر ش راست گفته، و دختر او نیز، که معدن حکمت و جایگاه هدایت و رحمت، و رکن دین و سرچشمہ حجت و دلیل می باشد و راست می گوید، سخن حقّ را دور نیفکنده و گفتار را انکار نمی کنم، این مسلمانان بین من و تو حاکم هستند، و آنان این حکومت را بمن سپردند، و به تصمیم آنها این منصب را پذیرفتم، نه متکبر بوده و نه مستبدّ به رأی هستم، و نه چیزی را برای خود برداشته ام، و اینان همگی گواه و شاهدند.

**فَالْفَتَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ إِلَى النِّسَاءِ، وَقَالَتْ: مَعَاشِ الْمُسْلِمِينَ الْمُسْرِعَةُ إِلَى قِيلِ الْبَاطِلِ، الْمُغْضِيَةُ عَلَى الْفِعْلِ الْقَبِحِ  
الْخَاسِرِ، أَفَلَا تَنْدَبِرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبِ أَفْفَالِهَا، كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِكُمْ مَا أَسْأَلْتُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ، فَأَخَذَ بِسَمْعِكُمْ وَ  
أَبْصَارِكُمْ، وَلَيْسَ مَا تَأَوَّلُتُمْ، وَسَاءَ مَا بِهِ أَشَرْتُمْ، وَشَرَّ مَا مِنْهُ أَعْتَصْتُمْ، لَتَجِدَنَّ وَاللَّهُ مَحْمِلُهُ تَقْيَالٌ، وَغَيْرُهُ وَبِلَّا، إِذَا كُشِّفَ  
لَكُمُ الْغِطَاءُ، وَبَانَ مَا وَرَأَهُ الْضَّرَاءُ، وَبَدَا لَكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَحْسِبُونَ، وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطَلُونَ.**

آنگاه حضرت فاطمه علیها السلام رو به مردم کرده و فرمود: ای مسلمانان! که برای شنیدن حرفهای بیهوده شتابان بوده، و کردار زشت را نادیده میگیرید، آیا در قرآن نمی‌اندیشید، یا بر دلها مهر زده شده است، نه چنین است بلکه اعمال زشتستان بر دلهايتان تیرگی اورده، و گوشها و چشمانتان را فراگرفته، و بسیار بد آيات قرآن را تأویل کرده، و بد راهی را به او نشان داده، و با بدچیزی معاوضه نمودید، بخدا سوگند تحمل این بار برایتان سنگین، و عاقبتیش پر از وزر و وبال است، آنگاه که پرده‌ها کنار رود و زیانهای آن روشن گردد، و آنچه را که حساب نمی‌کردید و برای شما آشکار گردد، آنجاست که اهل باطل زیانکار گرددند.

**ثُمَّ عَطَفَتْ عَلَى قَبْرِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقَالَتْ:**

**قَدْ كَانَ بَعْدِكَ أَنْبَاءُ وَهَبَبَةُ – لَوْ كُنْتَ شَاهِدَهَا لَمْ تَكُنْرِ الْخَطَبُ**

**إِنَّا فَقَدْ نَاكَ فَقْدَ الْأَرْضِ وَابِلَهَا – وَاخْتَلَّ قَوْمُكَ فَأَشْهَدُهُمْ وَلَا تَغِبُ**

**وَكُلُّ أَهْلِ لَهُ فُرْبَى وَمَنْزَلَهُ – عِنْدَ الْأَلِهِ عَلَى الْأَدَيْنِ مُقْتَرِبُ**

**أَبْدَتْ رِجَالُ لَنَا نَجْوَى صُدُورِهِمُ – لَمَّا مَضَيَّتَ وَحَالَتْ دُونَكَ التُّرَبُ**

**تَجْهَمَّنَا رِجَالُ وَاسْتُخْفَ بِنَا – لَمَّا فَقِدْتَ وَكُلُّ الْأَرْضِ مُغْتَصِبُ**

**وَكُنْتَ بَدْرًا وَنُورًا يُسْتَضَاءُ بِهِ – عَلَيْكَ تُنْزِلُ مِنْ ذِي الْعِزَّةِ الْكُتُبُ**

**وَكَانَ جِبْرِيلُ بِالْأَيَاتِ يُؤْنِسُنَا – فَقَدْ فَقِدْتَ وَكُلُّ الْخَيْرِ مُحْتَاجُ**

## فَلَيْتَ فَيْلَكَ كَانَ الْمَوْتُ صَادِقًا – لَمَّا مَضَيَّتْ وَ حَالَتْ دُونَكَ الْكُتُبُ

سپس آن حضرت رو به سوی قبر پیامبر کرد و فرمود:

بعد از تو خبرها و مسائلی پیش آمد، که اگر بودی آنچنان بزرگ جلوه نمی کرد. ما تو را از دست دادیم مانند سرزمینی که از باران محروم گردد، و قوم تو متفرق شدند، بیا بنگر که چگونه از راه منحرف گردیدند.

هر خاندانی که نزد خدا منزلت و مقامی داشت نزد بیگانگان نیز محترم بود، غیر از ما. مردانی چند از امت تو همین که رفتی، و پرده خاک میان ما و تو حائل شد، اسرار سینه ها را آشکار کردند. بعد از تو مردانی دیگر از ما روی برگردانده و خفیفمان نمودند، و میراثمان دزدیده شد. تو ماه شب چهارده و چراغ نوربخشی بودی، که از جانب خداوند بر تو کتابها نازل می گردید. جبرئیل با آیات الهی مونس ما بود، و بعد از تو تمام خیرها پوشیده شد. ای کاش پیش از تو مرده بودیم، آنگاه که رفتی و خاک ترا در زیر خود پنهان کرد.

ثُمَّ انْكَفَّاتِ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَ امِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهَا السَّلَامُ يَتَوَقَّعُ رَجُوعَهَا إِلَيْهِ وَ يَتَطَلَّعُ طَلَوْعَهَا عَلَيْهِ

آنگاه حضرت فاطمه علیها السلام به خانه بازگشت و حضرت علی علیها السلام در انتظار او بسر برده و منتظر طلوع آفتاب جمالش بود

فَلَمَّا استقرَّتْ بِهَا الدَّارُ، قَالَتْ لَامِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: يَابْنَ أَبِي طَالِبٍ! اسْتَمْلَأَ شَمْلَةُ الْجَنِينِ، وَ قَعَدَتْ حُجْرَةُ الظَّنِينِ، نَقَضَتْ قَادِمَةُ الْأَجْدَلِ، فَخَانَكَ رِيشُ الْأَغْزَلِ. هَذَا ابْنُ أَبِي فُحَافَةَ يَبْتَرُنِي نِخْلَةُ أَبِي وَ بُلْغَةُ ابْنِي! لَقَدْ أَجْهَرَ فِي حِصَامِي وَ الْفَيْئُهُ الَّذِي كَلَمَى حَتَّى حَسَسْتُنِي قِيلَهُ نَصْرَهَا وَ الْمَهَاجِرَهُ وَ صَلَهَا، وَ غَصَّتِ الْجَمَاعَهُ دُونِي طَرْفَهَا، فَلَا دَافِعٌ وَ لَا مَانِعٌ، خَرَجْتُ كَاظِمَهُ، وَ عَدْتُ رَاغِمَهُ. أَضْرَعَتْ حَدَّكَ يَوْمَ أَضَعَتْ حَدَّكَ، افْتَرَسْتَ الذَّئَبَ وَ افْتَرَسْتَ التُّرَابَ، مَا كَفَّتْ قَائِلاً وَ لَا أَغْنَيْتَ بَاطِلًا وَ لَا خِيَارًا لِي، لَيْسَنِي مِتْ قَبْلَ هَنِيَّتِي وَ دُونَ ذَلِّتِي، عَذِيرِي اللَّهُ مِنْكَ عَادِيَاً وَ مِنْكَ حَامِيَاً. وَيَلَى فِي كُلِّ شَارِقٍ، وَيَلَى فِي كُلِّ غَارِبٍ، ماتَ الْعَمَدُ وَ وَهَنَ الْعَصْدُ، شَكْوَاهُ إِلَى أَبِي وَ عَدْوَاهُ إِلَى رَبِّي،  
اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَشَدُّ مِنْهُمْ فُوهَةً وَ حَوْلَةً، وَ أَشَدُّ بَأْسًا وَ تَنْكِيلًا.

وقتی در خانه آرام گرفت به حضرت علی علیها السلام فرمود: ای پسر ابوطالب! همانند جنین در شکم مادر پرده نشین شده، و در خانه اتهام به زمین نشسته ای، شاه پرهای شاهین را شکسته، و حال آنکه پرهای کوچک هم در پرواز به تو خیانت خواهد کرد. این پسر ابی قحافه است که هدیه پدرم و مایه زندگی دو پسرم را از من گرفته است، با کمال وضوح با من دشمنی کرد، و من او را در سخن گفتن با خود بسیار لجوج و کینه توز دیدم، تا آنکه انصار حمایتشان را از من باز داشته، و مهاجران یاریشان را از من دریغ نمودند، و مردم از یاریم چشم پوشی کردند، نه مدافعی دارم و نه کسی که مانع از کردار آنان گردد، در حالی که خشمم را فربوده بودم از

خانه خارج شدم و بدون نتیجه بازگشتم. آنروز که شمشیرت را بر زمین نهادی همان روز خویشن را خانه نشین نمودی، تو شیرمردی بودی که گرگان را می کشتب، و امروز بر روی زمین آرمیده ای، گوینده ای را از من دفع نکرده، و باطلی را از من دور نمی گردانی، و من از خود اختیاری ندارم، ای کاش قبل از این کار و قبل از اینکه این چنین خوار شوم مرده بودم، از اینکه اینگونه سخن می گوییم خداوندا عذر می خواهم، و یاری و کمک از جانب توضیت. از این پس وای بر من در هر صبح و شام، پناهم از دنیا رفت، و بازویم سست شد، شکایتم بسوی پدرم بوده و از خدا یاری می خواهم، پروردگارا نیرو و توانت از آنان بیشتر، و عذاب و عقابت دردناکتر است.

**قال امیر المؤمنین عليه السلام: لَا وَيْلَ لَكِ، بَلِ الْوَيْلُ لِشَانِكِ، تَهْنِهْنِي عَنْ وُجْدِكِ، يَا أَئِنَّهُ الصَّفَوةُ وَ بَقِيَّةُ النُّبُوَّةِ، فَمَا وَيَنْتُ عَنْ دِينِي، وَ لَا أَخْطَأُتُ مَقْدُورِي، فَإِنْ كُنْتُ تُرِيدِينَ الْبُلْغَةَ فَرِزْقُكِ مَضْمُونٌ، وَ كَفِيلُكِ مَأْمُونٌ، وَ مَا أُعِدَّ لَكِ أَفْضَلُ مِمَّا قُطِعَ عَنْكِ، فَاحْسِبِي اللَّهُ.**

حضرت علی علیه السلام فرمود: شایسته تو نیست که وای بر من بگوئی، بلکه سزاوار دشمن ستمگر توضیت، ای دختر برگزیده خدا و ای باقیمانده نبوت، از اندوه و غصب دست بردار، من در دینم سست نشده و از آنچه در حد توانم است مضافقه نمی کنم، اگر تو برای گذران روزیت ناراحتی، بدانکه روزی تو نزد خدا ضمانت شده و کفیل تو امین است، و آنچه برایت آماده شده از آنچه از تو گرفته شده بهتر است، پس برای خدا صبر کن.

**فقالت: حَسْبِيَ اللَّهُ، وَ أَمْسَكْتُ.**

حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: خدا مرا کافی است، آنگاه ساكت شد.

**پی نوشته:**

1 - النمل: ۱۶

2 - مریم: ۵، ۶

3 - انفال: ۷۵

4 - النساء: ۱۱

5 - البقره: ۱۸۰

6 - آل عمران: ۱۴۴